

در جنایات

جنایت در لغت مطلق گناه را گویند و در لسان شرع عبارت است از حد و تعزیر .

افعالی که از شرع انور برای آن عقوبت خاص تعیین گردیده آنرا حد گویند و آنچه از عقوبتها را که بنظر حاکم واگذار نموده اند آنرا تعزیر گویند .

برای تعزیرها از شروع عقوبت تعیین نشده مگر چند مورد مخصوص از تعزیرات است که کیفر آنرا شارع معین فرموده است . از آنجمله کسی که در شهر رمضان در حال روزه با زوجه خود جماع کند عقوبت آن علاوه بر کفاره ۲۰ تازیانه تعیین شده و از آنجمله است مردی که با اجنبیه (زنی بیگانه) برهنه زیر یک لحاف بخوابد عقوبت آن از ده تازیانه الی نود و نه تازیانه است .

قانون ایران شدت و ضعف عقوبت را در نظر گرفته بعضی را جنائی و بعضی را جنبه و بعضی را خلاف قرار داده است :

کیفر جنائی را در ماده ۸ حبس مؤبد و حبس موقت با اعمال شاقه و حبس مجرد و تبعید و محرومیت از حقوق مدنی و کیفر جنبه را در ماده ۹ حبس تأدیبی اقامت اجباری . محرومیت از بعضی حقوق و غرامت و کیفر خلاف را حبس از دو روز تا ده روز و غرامت تا دو بیست ریال تعیین نموده است .

اموریکه قابل تعقیب کیفری است در قانون شرح داده و در ماده ۲ قانون کیفر نوشته اند هیچ عملی را نمیتوان جرم دانست مگر آنچه را که قانون جرم شناخته در صورتیکه خیلی از جرائم است که در قانون ذکر نشده است و از آنجمله برای کندن ریش مرد و کیسوی زن در قانون ذکر نشده و با طلاق ماده ۱۷۳ شاید این عمل را صدمه دانسته اند و طبق شق اخیر ماده مزبور سزای این عمل هشت روز حبس مقرر است و حال آنکه در شرع اسلام بریدن ریش مرد و کندن ابرو و کیسوی زن را جنائی دانسته اند و برای آنها حد قرار داده اند .

روایتی از حضرت صادق علیه السلام است که فرمود کسی که کیسوی زنی را کند « یحبس فی سجن المسلمین » باید محبوس و در حبس باشد تا زمانی که موهای کنده شده روئیده شود اگر روئیده شد یکصد دینار (صد اشرفی) باید بدهد و اگر مایوس از روئیدن شدند ثلث دیه اصلی را باید بدهد .

امیر المؤمنین علی علیه السلام هم قضاوت فرمود هر کس که ریش و ابروی دیگری را برید باید دو بیست و پنجاه دینار یعنی اشرفی بدهد .

در جنایات

تبصره هم که ذیل ماده ۱۷۳ نوشته شده مربوط بضر و جرح است و مقتضی بود ذیل ماده ۱۷۲ نوشته شده باشد و مربوط بصدمه نیست.

علی ای حال بعقیده فقهاء که جنایت را عبارت از مطلق تجاوزات گناهان میدانند میگویند جنایت بر چند قسم است :

یا جنایت بر غیر است یا جنایت بر نفس (انسان) است یا جنایت بر حیوان یا جنایت بر مال است یا جنایت بر عرض است.

اما جنایت بر غیر ضرب و جرحی است که بغیر وارد میشود که آنهم از حیث کیفر مختلف است.

جراحت بر بدن با جراحت بر سر و صورت فرق دارد.

جراحت بر سر و صورت را شجاج گویند و هشت نوع است :

خاصه ، دامیه ، باضغه ، متلاحمه ، سمحاق ، موضحه ، هاشمه منقله که تشخیص آنرا دکتورها باید بدهند.

سابقاً رجوع مینمودیم بدکتر و پس از تشخیص دیه آنرا مینوشتیم اگر خاصه بود دیه آن قیمت یک شتر ، اگر جراحت دامیه بود دیه آن قیمت دو شتر متلاحمه سه شتر دیه باضغه هم سه شتر دیه سمحاق چهار شتر دیه جراحت موضحه قیمت پنج شتر دیه هاشمه ده شتر دیه منقله پانزده شتر بقیاس میشد ولی این جراحات شجاجی اگر در بدن بود دیه هر یک نصف میشد و این اختلاف برای این است که سر و صورت خطرناکترین اعضاء بدن است و علاج آنهم مشکل است دکتورها میگویند جراحی سر و صورت و قلب از تمام اعضاء بدن مشکل تر است.

دیه این جراحات در موردیست که منتهی بقطع یا نقصان عضوی نشود و اگر منتهی گردید کیفر آن مطابق قانون ایران همان است که در ماده ۱۷۲ معین گردید که ازدومال تا ده سال حبس است البته برای تنبیه مرتکب و تشفی قلب جامعه است.

هر گاه قانونی برقرار میشد که مدعی خصوصی حق داشته باشد در ضمن مطالبه ضرر و زیان شخصی دیه را مطالبه نماید هم بیشتر تشفی قلوب جامعه میشد و هم حفظ حکم شرع انور میگردد زیرا در شریعت اسلام برای ضرب بر اعضاء هم دیه تعیین شده قصاص هم هست.

ضربی که منتهی بزوال دو چشم شود یا منتهی بزوال دو گوش شود یا بزوال دماغ (اختلال) شود دیه آن دیه کامله است.

دیه یک گوش یا یک چشم نصف دیه کامله است و هم چنین اگر در اثر ضرب هر دو لب از بین برود دیه آن دیه کامله است و اگر یک لب از بین برود هر گاه لب بالا باشد دیه آن چهارصد اشرفی است و اگر لب پائین از بین برود دیه آن ششصد اشرفی است.

در ضرب بزبان هم اگر زبان بکلی افتاد باید دیه کامله داده شود و اگر قسمتی

در جنایات

از زبان ناقص شد باید دید کدام یک از حروف ایجد را صحیح میگویند که امر را عاجز است پس دیه کامله را ۲۸ قسمت میکنند. حروفی را که صحیح میگویند دیه کامله بنسبت ۲۸ مجزا نموده بقیه دیه را باید ضارب بمضروب بدهد.

دیه دندانها هم مختلف است دیه دوازده دندان مقدم دهان ششصد اشرفی است هر دندانی پنجاه اشرفی ولی سایر دندانها دیه هر یک بیست و پنج اشرفی است بشرطیکه دندان صحیح بوده و اگر دندان فاسد بوده مجازاتش ارش است که خبره فنی تعیین مینماید ضربی که موجب قطع دو دست یا دو پا بشود دیه آن دیه کامله است و دیه یکدست یا یک پا نصف دیه کامله است.

هر گاه در اثر ضرب انگشتها از بین رفته باشد برای هر انگشتی قیمت ده شتر باید داده شود چون بمقتضای آیه شریفه :

« **ولکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب** » .

و آیه دیگر :

« **من اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم** » مجنی علیه

حق قصاص دارد.

در جراحات قصاص مشکل است لذا احکام دیات را برقرار فرموده اند.

در بعضی موارد در جنایات قبلی هم قصاص مشکل میشود مثل موردیکه ورثه مقتول بعضی آنها تراضی نموده با قاتل در گرفتن دیه و عفو او و سایر ورثه مطالبه قصاص نمایند قصاص مشکل است زیرا در قصاص اتفاق ورثه شرط و در محاکمات جنائی هم اگر بعضی اولیاء دم قاتل را عفو نمایند حکم اعدام مورد ندارد.

بهر حال جنایت بر غیر عبارت است از قتل ، جراحات ، ضربات ، تجاوزات سرقتی و خیانتی ، عشق و دنیسه در کسب و تجارت ، تخریب و اتلاف اموال دیگران غصب املاک غیر ، افترا ، توهین و غیر ذلک آنچه مستلزم ضرر غیرشود جنایت بمعنای اعم است .

اما جنایت بر نفس عبارت است از خودکشی ، ولگردی ، استعمال افیون و مواد مخدره ، اعمال منافی عفت ، ترك نمودن واجبات و عمل نمودن محرمات و منهیات که کیفر هر یک را شرع انور تعیین فرموده است. لذا علمای اخلاق میگویند تمام طبقات مردم هر روز صبح باید بنفس خود خطاب نمایند اگر دادرس دادگستری بگوید :

ای نفس امروز روز جدیدی است که از سرمایه عمر من میگردد اگر بقصد وضد خصومت و اصلاح بین المتحاکمین و متخاصمین اقدام کنی امروز پشت میز عدالت نشسته فردای قیامت پفرموده رسول الله صلی الله علیه و آله : « **اعظم الناس منزلة عند الله** » خواهی بود ای نفس اهتمام نما در اصلاح و فصل خصومت که پیغمبر صم ؛ فرموده است :

« **من لم یهتم بامور المسلمین فلیس منهم** »

و کلاء دادگاه دادگستری باید هر روز صبح با نفس خود خطاب نمایند ای نفس

در جنایات

مبادا امروز گفتار زشت و عاری از حقیقت گوئی یا اهانت بهمکار خود نمائی سعی کن احقاق حق و اغاثه مظلوم کنی و حفظ حقوق موکل نمائی تا ثواب جزیل داشته باشی و مبادا که تعقیب از امر باطل کنی که فرموده اند

« ویل لمن باع دینه بدنیا غیره »

و اگر عالم ربانی است باید با نفس خود خطاب نماید ای نفس اگر امروز برای ارشاد جهان و تعلیم احکام بعوام اقدام کنی بفرموده نبی اکرم مثل انبیاء خواهی بود و اگر دنیا طلب باشی نعوذ بالله مشرک باشی و در زمره کسانی هستی که اهل جهنم میگویند :

« ربنا هولاء اضلونا فاتهم ضعفاً من العذاب » خدایا اینها ما را گمراه

کردند عذاب آنها را دو برابر نما -

و اگر تاجر یا کاسب است بگوید ای نفس دنیا مزرعه آخرت است اگر برای رفاهیت مسلمین کار میکنی بموجب « الكاسب حبیب الله » دوست خداوند میشوی و اگر ریاکاری و عشق در معاملات نمائی در قعر جهنم خواهی بود « و خسر الدنيا والاخره » میگردد

اما جنایت بر حیوانات یکی نزدیکی با بهائم است که هر گاه با حیوان غیر ما کول اللحم شد جرم فاعل آنستکه باید نفی بلد شود الی الابد و آن حیوان هم فروخته شود و بهای آن بفقراء داده شود و اگر حیوان ما کول اللحم باشد فاعل نفی بلد میشود و فروش حیوان جایز نیست . آن حیوان کشته میشود هر گاه اجزاء آن حیوان قابل انتفاع باشد متعلق بمالک است و صدقه داده نمیشود .

کشتن حیوانات غیر موذی هم جنایت بنام اعم است تعدی و تجاوز و اذیت بحیوانات هم مورث مسئولیت است در اخبار است زنی را بجهنم میبرند برای اینکه گربه را حبس نمود و او را طعمای و آبی نداد تا مرد روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده است : باین مضمون « نهی النبی عن ذبح الحيوان الا لاکله » حیواناتی که حلال گوشت باشد برای خوردن آن کشتن آنها جایز است ولی حیوانات دیگر را اگر بکشند جنایت بر حیوان است و جایز نیست مگر کلب عقور (گیرنده) و خنزیر که چون احترامی ندارند کشتن آنها جنایت محسوب نیست . حیوانات ما کول اللحم هم تا تذکیه نشود خوردن آن جایز نیست باید شرایط تذکیه بعمل آید که چهار شرط دارد :

اول رو قبلة ذبح شود .

دوم در وقت ذبح بسم الله و ذکر خدا گفته شود .

سوم اگر شتر باشد او را نحر نمایند و اگر گوسفند است او را ذبح نمایند .

چهارم صبر کنند تا خون او برود که از حرکت بیفتد و اگر این شرایط رعایت

نشود گوشت او میتة است و خوردن او حرام است و جنایت بر حیوان است و تذکیه ماهی

در جنایات

هم آنستکه مسلم او را در حالیکه زنده است از آب بیرون آورد و روی زمین جان دهد و با این تسامحی که در سلاخ خانه‌ها میشود و رفتاری را که ماهی گیران مینمایند زندگی مشکل و فقط باید تمسک « **باصاله الصحه** » و فعل مسلم را حمل بصحت نمود.

اما جنایت بر مال آنستکه مکلف از تکالیف مالی خودداری نماید در روایتی وارد شده وقتی حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه ظاهر میشود مجازات مانع الزکوة را مجازات زنای محصنه قرار میدهد « **و نضرب عنقه** » و کمتر کسی است که خمس بر ذمه او نباشد معادن که استخراج میشود مثل نفت و غیره مال مخمس است و بالیقین میدانیم خمس آن داده نشده البته بدست هر کس برسد خمس باید بدهد.

پولهای بانکها که قطعاً مختلط بر با و نزول و مال صغیر و مال وقف است بهر کس برسد مال مخمس است وقتی حلال میشود که خمس آن داده شود

ارباح مکاسب و فاضل مؤنه و این ترقیاتی که در اشجار و اراضی میشود خمس آن باید داده شود و نمیدهند جنایت مالی است

خریدی که اهل ذمه از مسلمین مینمایند خمس آنها باید بدهند « **انفال از بطون اودیه** » و غیره که باید در غیبت امام بقراء سادات برسد داده نمیشود اگر میدادند فقیری پیدا نمیشد.

این پولهایی که پس انداز میشود فاضل مؤنه است خمس دارد فردای قیامت با همین پولها بدن‌ها را داغ مینمایند و میگویند « **هذا ما کنزتم لانفسکم** » عموم مکلفین در تکالیف مالی مستی مینمایند ولی عبادات بدنی را رغبت مینمایند چون جان دادن را آسانتر از پول دادن میدانند مقصود آنستکه جنایت مالی هم یکی از جنایات است اما جنایت عرضی عبارت است از بی ناموس و در ماده ۲۰۷ کیفر آنها از سه سال تا ده سال معین نموده و اگر دختر با کره را بی ناموسی نموده باشند بجدا کثر مجازات محکوم میشوند.

در بعضی موارد که ازدواج ممکن است و ازدواج بعمل آید متهم و شرکاء و معاونین از مجازات معاف میشود

در قسمتی از اعمال منافی عفت تعقیب مرتکب را موقوف بشکایت مدعی خصوصی دانسته اند در صورتی که مدعی العموم مکلف است از کلیه منهیات شرعیه جلوگیری نماید بموازین شرعیه اگر کسی با محارم خود نزدیکی کرد کیفر او قتل است امام زین العابدین علیه السلام فرمود کسی که با خواهر خود نزدیکی نمود « **یضرب عنقه** » در بعضی روایات « **یضرب ضربة بالسيف بلغت منه ما بلغب** » یعنی یک شمشیر بر او بزنند اگر باز زنده ماند او را حبس نمایند تا در زندان بمیرد ولی این حکم را در بعضی محارم دیگر اشکال مینمایند مثل اینکه کسی با دختر زوجه خود که از شوهر دیگر دارد نزدیکی نماید یا با خواهر رضاعی مجازات او همان صد تازیانه است.

در جنایات

جمعی فرق نگذارده‌اند بین ارحام نسبی و ارحام سببی و یکی از اقسام زنا که موجب قتل میگردد در موردی است که ارمنی یا یهودی که اهل ذمه میباشند بازن مسلمة نزدیکی نماید اعم از اینکه بشرائط ذمه عمل نموده باشد یا نه باید کشته شود. در زمان متوکل یک نصرانی با مسلمة نزدیکی نمود بین یحیی بن اکثم و سایرین در مجازات او اختلاف شد زیرا متوکل خواست او را مجازات نماید اسلام آورد یحیی این اکثم میگفت چون اسلام آورد گناهای که در حال کفر نموده قابل گذشت است بعضی دیگر قائل بمجازات شدند لذا نوشت بامام حسن عسکری علیه السلام که مجازات او چیست حضرت جواب نوشتند « **یضرب حتی بموت** » آنقدر او را بزنند تا بمیرد علمائیکه نزد متوکل بودند گفتند این حکم در قرآن و فرموده پیغمبر نیست لذا دومرتبه نوشت بانحضرت که فقهاء منکر این حکم هستند زیرا اسلام آورده « **والاسلام یحب ما قبله** » حضرت جواب او را نوشتند

« **بسم الله الرحمن الرحيم . فلما راو باسنا قالوا امنا بالله وحده
و کفرنا بما کنابه مشرکین فلم یکنفهم انما نهم لما رؤا باسنا** »
متوکل از این آیه شریفه فهمید که اسلام او برای فرار از حد است لذا او را کشت مقصود آنستکه جانی را باید مجازات نمود این مناهی شرعیه که در بلاد مسلمین بویژه در تهران علنی مرتکب میشوند قابل تعقیب است و ماده ۱ قانون کیفر مسطحق تعقیب نیست : « **اللهم افقنا لما تحب و ترضی** »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی